

انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری

نویسندگان: مجید عباسی^۱ و سعید گلچین^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۲۸

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۴

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در ایران تأثیرات شگرفی بر کشورهای مسلمان جهان و علی‌الخصوص شیعیان داشته که یکی از مهم‌ترین این کشورها، یمن است. شیعیان یمن که به مدت بیش از هزار سال، قدرت و حکومت را در این کشور در دست داشتند، با کودتای سرهنگ سلال که با حمایت و تحریک مصر در سال ۱۹۶۲ رخ داد، قدرت را از دست دادند؛ اما طولی نکشید که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و پیامدهای منبعت از آن سبب شد تا شیعیان یمن به تدریج از انزوای ژئوپلیتیکی بیرون آیند و با وقوع خیزش‌های مردمی از سال ۲۰۱۱ در جهان عرب موسوم به بیداری اسلامی، دوباره به احیاء و تجدید قدرت خود بپردازند. این مقاله هدف با بهره‌گیری از دو نظریه قدرت نرم و پخش باروش توصیفی-تبیینی، در پی پاسخ به این پرسش است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران چه پیامدهایی بر ژئوپلیتیک شیعه در یمن داشته است؟ یافته‌ها حاکی از آن است که وقوع انقلاب اسلامی در ایران سبب هویت‌یابی و خودآگاهی، رشد و ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی و همچنین گسترش فعالیت شیعیان با هدف دست‌یابی به حقوق سیاسی و اجتماعی در قالب جنبش‌ها و احزاب شیعی در یمن شده است.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی ایران، شیعیان یمن، ژئوپلیتیک تشیع، هویت‌یابی، بیداری اسلامی.

۱. عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، dr.Majidabbasi@gmail.com
۲. دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه علامه طباطبائی، saeed.golchin92@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی منشأ تحولات شگرفی در جهان و به‌ویژه در دنیای اسلام گردید. این رخداد عظیم بدون شک دارای پیامدها و بازتاب‌هایی است که کشورهای پیرامون و نیمه پیرامونی ایران را متأثر ساخته است. یکی از مهم‌ترین کشورهای نیمه پیرامونی ایران، یمن هست. این کشور که در جنوب شبه‌جزیره عربستان واقع شده، از جهات تاریخی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی از موقعیت ویژه و راهبردی برخوردار است. بین ۳۰ تا ۳۵ درصد از جمعیت این کشور را شیعیان زیدی تشکیل می‌دهند. حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این گروه مذهبی همواره در طول دوره‌های گوناگون تاریخی و تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بوده است. شیعیان زیدی یمن که در دوره‌ای طولانی بر این کشور حکومت می‌کردند، از اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد، تحت فشار حاکمان قرار گرفتند، به‌نحوی که پس از این، بسیاری از حقوق اجتماعی و سیاسی خود را از دست دادند. با توجه به اینکه، ایران به‌عنوان کانون شیعیان جهان قلمداد می‌شود و به‌تبع آن وقوع انقلاب اسلامی بیش از سایر گروه و جنبش‌ها، ابتدا بر شیعیان تأثیرگذار بوده و نظر به اینکه جمعیت قابل توجهی از جمعیت یمن را شیعیان تشکیل می‌دهند، لذا بررسی تأثیرات و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک شیعیان یمن ضروری است. چراکه از این رهگذر، پتانسیل‌های موجود در انقلاب اسلامی در جهت تأثیرگذاری بر حرکت‌ها و نهضت‌های شیعی یمن واکاوی می‌گردد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جرقه الگوگیری و بیداری اسلامی را میان شیعیان یمن و از آن جمله زیدی‌ها و جنبش الحوثی‌های این کشور ایجاد کرده است. شهید حسین الحوثی، رهبر این جنبش، با تأثیرپذیری از پیروزی انقلاب اسلامی، آشنایی با شخصیت و اندیشه‌های رهبر انقلاب و نیز الگوگیری از تفکرات ایشان، هسته مقاومت اسلامی را در کشور یمن پایه‌گذاری کرد و از این طریق در گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران در میان شیعیان زیدی یمن نقش بسزایی ایفا کرد. اساساً هنر بزرگ شهید حسین الحوثی، قرائت انقلابی از مفاهیم تشیع با الگوی تفکر امام خمینی (ره) بود که از سویی در مقابل نفوذ استعماری عربستان در یمن و تبعیض شدید مذهبی و سیاسی حکومت یمن علیه شیعیان، ایستادگی فرهنگی می‌کرد و از سوی دیگر، حلقه جدیدی را نیز به زنجیره خط مقاومت در منطقه افزود. اساساً پیدایش گروهی انقلابی و شیفته امام خمینی (ره) و در خط سیاسی جمهوری اسلامی در کنار مرزهای عربستان؛ به‌عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان سیاسی آمریکا در منطقه، زنگ خطری برای



آمریکا بود، به‌ویژه اینکه مهم‌ترین اعتراض سیاسی این گروه، حضور نظامی بیگانگان و سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه شیعیان بود.

در پژوهش حاضر، به دنبال مطالعه تأثیرات و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک شیعیان در یمن با استفاده از روش توصیفی - تبیینی با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی هستیم. لذا با توجه به چنین مقصودی، محور اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی بدین سؤال است که: «وقوع انقلاب اسلامی ایران چه پیامدهایی بر ژئوپلیتیک شیعیان یمن داشته است؟ فرضیه پژوهش حاضر نیز بر این مبنا استوار است که: «وقوع انقلاب اسلامی در ایران سبب هویت‌یابی و خودآگاهی، رشد و ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی و همچنین گسترش فعالیت شیعیان با هدف دست‌یابی به حقوق سیاسی و اجتماعی در قالب جنبش‌ها و احزاب شیعی، در یمن شده است.» در این راستا سازمان‌دهی پژوهش حاضر جهت بررسی فرضیه مذکور این‌گونه هست که پس از ارائه چارچوب نظری، جهت تبیین حوزه ژئوپلیتیک شیعیان ابتدا پراکندگی جغرافیایی شیعیان و جمعیت مناطق شیعه‌نشین این کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس در ادامه به مطالعه تأثیرات انقلاب اسلامی بر ژئوپلیتیک شیعیان در یمن با تأکید بر بیداری اسلامی و هویت‌یابی مجدد خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که متغیر مستقل این پژوهش، انقلاب اسلامی ایران و متغیر وابسته نیز، ژئوپلیتیک شیعیان در یمن هست. متغیر اخیر نیز خود در چهار شاخص مورد مطالعه قرار گرفته که عبارت‌اند از:

- خودآگاهی و هویت‌یابی شیعیان؛
- شکل‌گیری و تقویت تشکل‌های شیعی؛
- رفتارهای سیاسی - عاطفی شیعیان؛
- افزایش مشارکت سیاسی شیعیان؛

۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

۲-۱- چارچوب نظری

۲-۱-۱- قدرت نرم

برخی، پروفیسور حمید مولانا را مبدع نظریه قدرت نرم^۱ می‌دانند و خود ایشان نیز ادعا دارد که آن را در سال ۱۹۸۶ در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین‌الملل با عنوان قدرت نامحسوس» مطرح کرده است (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۴)؛ اما محافل پژوهشی و دانشگاهی، از جوزف نای با عنوان نظریه پرداز اصلی



قدرت نرم یا همان «قدرت جذاب» نام می‌برند و وی را اولین شخصی می‌دانند که قدرت نرم را مفهوم‌سازی کرده است. این نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان «The Misleading Metaphor of Decline» در نشریه Atlantic (در مارس ۱۹۹۰) مفهوم قدرت نرم را مطرح کرد. وی در این مقاله می‌گوید:

«اگر آمریکا تنها ۲ درصد از مبلغ ناخالص ملی را به برنامه‌ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقاء داده و هم کمک‌های مؤثر و اطلاعات موردنظر را به خارج برساند، به قدرتی متفاوت و عمیق‌تر از قدرت سخت دست می‌یابد که به آن می‌گوییم قدرت نرم. (بیک، ۱۳۸۹، ص ۳۲)

نای، قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس دانسته، معتقد است یک کشور و حاکمیت می‌تواند بر این پایه به مقاصد موردنظر خود برسد؛ زیرا کشورهای دیگر، ارزش‌های آن را می‌پذیرند و تحت تأثیر پیشرفت و اندیشه آن قرار می‌گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می‌شوند. در این مفهوم، مهم‌ترین مسئله، تنظیم دستورالعملی برای جذب دیگران است؛ بنابراین، قدرت نرم، کسب اهداف موردنظر، از طریق جذب کردن، نه از طریق اجبار، زور و پاداش است. (نای، ۱۳۸۹، ص ۴۷)

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های این نوع قدرت «نفوذ» آن است که با قانع کردن دیگران به «دوست داشتن آنچه ما دوست داریم» هزینه‌های لازم برای قدرتمند باقی ماندن را کاهش می‌دهد. قدرت نرم یک نوع چرخش جامعه به سمت خواست نظام قدرت است. تفاوت قدرت سخت با قدرت نرم در آشکار بودن، محسوس بودن، تخریب فیزیکی و احساس ترس نسبت به صاحبان قدرت است که در قالب قدرت نظامی با استفاده از زور و تسلیحات نظامی و یا حضور استعماری تحقق پیدا می‌کند. (عاملی، ۱۳۸۹، ص ۲۸)

برخی قدرت نرم را برآیند و محصول تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این دسته می‌دانند. (شعبانی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۲)

جوزف نای بر این باور است که هرچند قدرت نرم و سخت درهم تنیده‌اند، ولی قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست؛ این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های یک مجموعه سیاسی در چشم دیگران مشروعیت دارد، قدرت نرم آن مجموعه تقویت شده است؛ به عبارتی، زمانی که هر کس غیر را وادار کند که ایده و اراده‌اش را بپذیرد، بدون این که از قدرت



سخت و قدرت نرم و قدرت نیمه سخت هزینه زیادی کند در آن صورت از قدرت نرم استفاده کرده است. در سطح کلان و در عرصه روابط بین‌الملل، جوزف نای این‌گونه عنوان می‌کند که: «قدرت نرم جلب نمودن مردم به‌جای اجبار آن‌ها است». (متقی زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷)

مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت نرم عبارت‌اند از: اقتصاد، سیاست و فرهنگ است. در میان این مؤلفه‌ها، امروزه از فرهنگ به‌عنوان مهم‌ترین منبع قدرت نرم نام‌برده می‌شود. (پور احمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۶) قدرت نرم که بعضاً آن را قدرت هنجاری و قدرت انگاره‌ای و عقیدتی می‌نامند، تکیه بر فرهنگ و ارزش‌ها دارد. از فرهنگ که در قاموس و عرف بین‌الملل به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌گردد، جهت‌دهنده به ذهن و رفتار در همه حوزه‌های اجتماعی است. (همان، ص ۲۹۶) فرهنگ یک کشور بیانگر شخصیت و هویت یک کشور است. (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴) و می‌توان گفت نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته و یا مورد مخالفت قرار می‌گیرد و یا بازتولید می‌گردد. (تاجیک، ۱۳۸۴، ص ۴۴)

در مجموع پیرامون قدرت نرم باید گفت، هرچند منابع این نوع قدرت، متنوع هستند، اما به‌طور کلی از فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، ایدئولوژی، نظام آموزشی مبتنی بر تولید علم به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم، نام‌برده می‌شود. چنانکه آنتونی لیک؛ یکی از مقامات آمریکایی، در این زمینه معتقد است: «مؤلفه فرهنگ، آن قدر مهم است که حتی سیاست و اقتصاد را تشکیل می‌دهد». همچنین در این زمینه جمال‌زاده، استاد دانشگاه امام صادق (ع) معتقد است: «قدرت انقلاب ایران نه به خاطر قدرت نظامی یا اقتصادی آن، بلکه به خاطر وجه فرهنگی و معنوی آن است؛ بعد فرهنگی و نقش مذهب در انقلاب ایران است که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز ساخته است». (جمال‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۴-۶۱) اکنون لازم است متناسب با موضوع پژوهش از نظریه‌ای استفاده شود که مفهوم فرهنگ را بهتر بتواند توضیح و تبیین نماید. بدین منظور از میان نظریه‌های مختلف بازتاب انقلاب اسلامی، نظریه «پخش» یا اشاعه را برگزیده‌ایم، چراکه این نظریه قابلیت تفسیری بالقوه خوبی برای تبیین پخش انقلاب اسلامی در جهان اسلام دارد، همچنین به دلیل ماهیت فرهنگی آن قابلیت تفسیری یا توضیحی چشمگیری برای نشان دادن تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر سایر نواحی را دارا است.



۲-۱-۲- نظریه پخش

نظریه پخش^۱ یا اشاعه در سال ۱۹۵۳ از سوی تورستن هاگراسترن^۲ جغرافیدان سوئدی ابداع و عرضه شد. وی و همکارانش با به کار گرفتن این نظریه در مورد گسترش نوآوری «پدیده‌های کشاورزی» و چگونگی گسترش «سل گاوی» در سال‌های مختلف به یافته‌های ارزشمندی دست یافتند. بعدها این نظریه چگونگی اشاعه وبای التور^۳ در سال‌های گوناگون در مناطق هند، آفریقای مرکزی، خاورمیانه، شوروی سابق، اروپا و علل همه جاگیری و یا توقف آن در برخی از نواحی را توضیح داد. (غفاری هاشجین و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۰) هرچند نقطه آغاز کاربرد آن در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود؛ کاربرد آن در سایر عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت. در مجموع این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند. نظیر توجیه مسلط شدن مد شلوارک یا شلوار کوتاه^۴ که برای اولین بار در بهار ۱۹۷۰ در پاریس به دنیا معرفی شد و در پاییز همان سال به سرعت بوتیک‌های سیدنی در استرالیا تا سانفرانسیسکو در آمریکا را فراگرفت. این لباس پس از مدت‌ها از مد افتادگی، به‌تازگی مجدداً مد شده است. بدین سبب این نظریه قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد. هم علت اشاعه، نحوه گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن و هم علل توقف آن و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد. در عصر جدید عناصر فرهنگی و ابداعات به‌سرعت حرکت هواپیمای جت و به‌سرعت دریافت تصاویر ماهواره‌ای میان کشورها و قاره‌ها اشاعه می‌یابد. (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۳۴)

به‌طور کلی اشاعه یا پخش عبارت است از فرایندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی (یک‌نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اشاعه را عموماً در مهاجرت‌های جمعیت‌ها که حاصل تماس‌های مداوم و زیاد جوامع همسایه است، تشخیص می‌دهند. (همان، ص ۳۵) پخش، شامل انواعی چون جابه‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی است. لازمه پخش، جابه‌جایی و انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل اندیشه است. (جردن و راونتري، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲)

در پخش سلسله‌مراتبی، پدیده‌ها از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل

۱. برای واژه Diffusion معادل‌های متفاوتی نظیر پخش، اشاعه، انتشار، تراوش و... برگزیده شده است. (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۳۳)

2. Hager Strand
3. Eltor
4. Hot Pants



و گسترش می‌یابند. ایده‌ها از فردبه‌فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد. (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳) در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد. در واقع این نوع پخش در مقابل پخش سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرد. این نوع پخش به‌شدت تحت تأثیر فاصله است. دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی از نوع پخش‌هایی هستند که با سرعت انتشار بالایی از نوع پخش انبساطی‌اند. (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰) در این بین، بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله‌مراتبی است زیرا با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم، پدیده به‌سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود.

بدون تردید انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی «قدرت نرم» به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. انقلاب اسلامی به‌عنوان انقلابی واقعی، مردمی، مترقی، اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی در جهان نوین با حمایت از مسلمانان و به‌ویژه شیعیان و مستضعفان جهان و نیز نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش جهان توانست به احیای مجدد عظمت و شکوه مسلمانان در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای همت گمارد. به بیانی دیگر، انقلاب اسلامی با توجه به شاخصه‌های نرم‌افزاری خود، از قبیل هویت اسلامی و ایدئولوژی اسلامی، نمادگرایی، معنویت‌گرایی در سیاست، ضدیت با رژیم‌های دیکتاتوری و ضد ارزشی و روحیه شهادت‌طلبی توانست بر موقعیت و جایگاه مسلمانان جهان و خصوصاً مسلمانان منطقه خاورمیانه تأثیر‌گذاری عمیقی داشته باشد و از آنجا که این شاخص‌ها بارزش‌های نظام شیعه که عبارت‌اند از: استکبارستیزی، روحیه ایثار و شهادت‌طلبی و عدالت‌خواهی منطبق هستند؛ بنابراین طبیعی است که انقلاب اسلامی ایران پیش و بیش از هر گروهی در میان شیعیان تأثیرگذار باشد. بر این اساس می‌توان گفت قدرت این انقلاب نه به خاطر قدرت نظامی و اقتصادی آن، بلکه به خاطر وجه فرهنگی و معنوی آن بوده است. همچنین از آنجا که انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدا، دارای ماهیت فرهنگی - ارزشی و نیز پیامدها و بازتاب‌های فرهنگی - معنوی هست، بنابراین نظریه «پخش» نظریه‌ای مهم و تأثیرگذار برای تبیین این امر جلوه می‌کند. با بررسی انجام‌شده، این نتیجه حاصل می‌شود که نظریه مزبور نسبت سایر نظریه‌های بازتاب انقلاب اسلامی، قابلیت تفسیری و توضیحی چشمگیرتری برای نشان دادن بازتاب‌ها و تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران بر سایر کشورها را دارد؛ بنابراین دو نظریه مکمل قدرت نرم و نظریه پخش در پژوهش حاضر، به‌عنوان چارچوب نظری برگزیده شده است.



۲-۲- پیشینه پژوهش

در مورد شیعیان و جنبش‌های شیعی در یمن کتابی با عنوان «جنبش انصارالله یمن» از سوی انتشارات مجمع جهانی اهل بیت به چاپ رسیده است. همچنین کتابی با عنوان «شاخ شیطان: بررسی ابعاد و پیامدهای جنگ عربستان علیه یمن» در سال جاری (۱۳۹۴) توسط موسسه اندیشه‌سازان نور چاپ شده است. در مورد بازتاب‌های انقلاب اسلامی نیز، محمدباقر حشمت زاده کتابی با عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی» را نگاشته که از سوی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ شده است. نکته قابل توجه آنکه، مجموع منابعی که ذکر شد هیچ کدام از آن‌ها به صورت مستقیم به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک شیعیان یمن نپرداخته است. ضمن اینکه حداقل منابعی هم که بدین موضوع توجه کرده‌اند در هر کدام، بعد و جنبه خاصی از موضوعات مورد بررسی قرار گرفته است و هیچ کدام نگاه منسجم و منظمی به موضوع مذکور نداشته‌اند.

۳- ژئوپلیتیک شیعیان یمن

تعاریف متعددی از واژه ژئوپلیتیک^۱ از سوی علمای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و جغرافیا صورت پذیرفته است به طوری که حافظ نیا در مقاله خود با عنوان «نگاهی نو به مفهوم ژئوپلیتیک» از ۲۰ تعریف مختلف که توسط دانشمندان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی به کار گرفته شده، نام می‌برد. (حافظ نیا، ۱۳۷۹، ص ۱۶) اما در این میان به نظر می‌رسد بهترین و جامع‌ترین تعریف در رابطه با ژئوپلیتیک تعریفی است که در آن سه عنصر اصلی؛ یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست در آن لحاظ شده و اینکه این سه عنصر دارای خصلتی ذاتی باشند. بر این اساس موضوع ژئوپلیتیک را روابط متقابل عناصر مزبور و رفتار گروه‌های انسانی متشکل، نسبت به یکدیگر بر پایه ترکیب جغرافیا، قدرت و سیاست تشکیل می‌دهد. لذا مراد نگارندگان از به کارگیری واژه ژئوپلیتیک در این پژوهش، تعریف مذکور هست. بر اساس این تعریف، می‌توان موضوع ژئوپلیتیک را در قالب شکل زیر تبیین کرد؛



نمودار ۱- عناصر اصلی تشکیل‌دهنده ژئوپلیتیک



۳-۱- جمعیت شیعیان یمن

یمن به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور شبه‌جزیره عربستان، طبق آخرین آمار (سال ۲۰۱۴) حدود ۲۶ میلیون نفر جمعیت دارد.^۱ بیش از ۹۹ درصد مردم این کشور مسلمان هستند.^۲ هرچند آمار رسمی و دقیقی از درصد جمعیت شیعه و سنی در این کشور وجود ندارد، اما می‌توان گفت حدود ۳۵ درصد جمعیت این کشور را شیعیان و ۶۵ درصد را اهل تسنن تشکیل می‌دهند.^۳ (Report for 2012: United States, Department of State)

شیعیان زیدی: زیدیه یکی از فرقه‌های شیعه است که نامشان را از «زید بن علی» گرفته‌اند. پیروان این فرقه، برخلاف دوازده‌امامی‌ها، زید بن علی را به‌جای برادرش محمد باقر امام پنجم می‌دانند و در امامت علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن حسین (علیهم‌السلام) با دیگر شیعیان هم‌نظرند. بدین ترتیب اگر شیعه به معنای «پیروان علی بن ابی طالب علیهما‌السلام» در نظر گرفته شود، بیش از ۳۵ درصد جمعیت بیست‌وشش میلیونی یمن شیعه‌اند که غالب آن‌ها زیدی هستند. ناگفته نماند که در این زمینه، آمار دقیقی وجود ندارد. با وجود این، برخی معتقدند زیدی‌ها تا ۵۵ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند.

مرکز اصلی شیعیان زیدی یمن، استان صعده و به‌ویژه شهر حوث است اما آن‌ها در استان‌های تعز^۴، الجوف، صنعاء و همچنین در استان‌های آب، ذمار، عمران، مأرب، حجه، مجویت و حدیده نیز سکونت دارند. صعده مرکز جنبش شیعی انصارالله یمن محسوب می‌شود. این استان هم‌مرز با عربستان و ۲۴۳ کیلومتر با صنعاء فاصله دارد و حدود دو و نیم درصد مساحت یمن را شامل می‌شود. (دائرةالمعارف اسلام: www.islambia.ir)

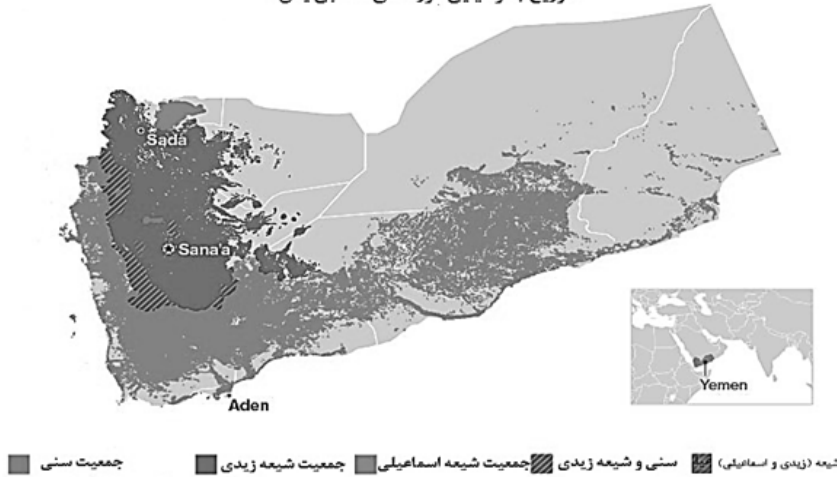
۱. در گزارش سالانه سازمان سیا که با استناد به اطلاعات و آمارهای منتشره سازمان‌های جهانی تنظیم می‌شود، جمعیت کشور یمن نیز ۲۶ میلیون عنوان شده است. (اندرسون، اندیشکده واشنگتن، ترجمه شده در: www.farsnews.com)
۲. جمعیت یمن در سال ۲۰۱۱، حدود ۲۴/۱۳۳/۴۹۲ نفر اعلام شده است. (موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام: www.iiwfs.com)

۳. در مورد یمن نیز، همانند بسیاری از کشورهای این منطقه آمار و ارقام دقیقی از جمعیت و درصد گروه‌های مذهبی ارائه نمی‌شود. به‌نحوی که در برخی آمار، جمعیت زیدی‌ها تا ۴۵ درصد نیز گفته شده است. در حقیقت نبود آزادی‌های مذهبی و ضدیت با شیعیان در این کشور باعث شده که بسیاری از شیعیان در ابراز هویت مذهبی خود محتاط باشند و سیاست دولت یمن نیز همواره بر این بوده است که جمعیت شیعیان این کشور را اندک جلوه دهد. آمار انجمن دین و زندگی اجتماعی مؤسسه «PEW» از شیعیان یمن - سال ۲۰۰۹ ارائه داده حاکی از آن است که شیعیان یمن بین ۳۵ تا ۴۲ درصد از جمعیت کل شیعیان یمن را شامل می‌شوند. همچنین مجمع جهانی اهل بیت (ع) در سال ۲۰۰۸ آمار شیعیان را ۴۲ درصد جمعیت کل این کشور اعلام کرد. (www.ahlulbaytportal.com)

۴. تعز، سومین شهر بزرگ یمن است. (العالم: ۲۰۱۵)



توزیع جغرافیایی گروه های مذهبی یمن



نقشه توزیع جغرافیایی گروه های مذهبی یمن

۳-۲- ژئوپلیتیک شیعیان یمن پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی ایران، دو کشور یمن شمالی و جنوبی در سیاست خارجی ایران از تعریف و جایگاه مشخصی برخوردار نبود، به ویژه که یمن جنوبی از جمله متحدان اتحاد جماهیر شوروی به شمار می رفت. یمن جنوبی تنها کشور اسلامی و عربی بود که سوسیالیسم نوع شوروی را اتخاذ کرده بود. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸) شرایط یمن جنوبی باعث شد تا زمینه حضور نظامی شوروی سابق در دریای سرخ و دریای عمان و تسلط بر تنگه استراتژیک باب المندب فراهم شده و تردد کشتی های نظامی و تجاری غرب در این حوزه ها نیز مختل شوند که این موضوع بخشی از دغدغه های منطقه ای ایران در آن دوره محسوب می شد؛ بنابراین، سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی دوم در قبال یمن جنوبی نگاهی توأم با نگرانی بود. از همین رو، ایران به نیابت از آمریکا و غرب بخشی از نیروهای نظامی خود را برای دفاع از پادشاهی عمان در ظفار مستقر کرد.

یکی از مهم ترین رخدادهایی که بر جایگاه شیعیان یمن، قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران تأثیر گذاشت، کودتای سال ۱۹۶۲ در یمن شمالی بود. در این سال جمال عبدالناصر یک صد هزار نیروی مصری در این کشور مستقر کرد و- توسط انقلاب جمهوری خواهان در صنعا- حکومت را از زیدی ها گرفت و به افراد لائیک سپرد. این حادثه به شدت بر جایگاه و زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان زیدی که بیش از یازده



قرن حکومت یمن را در اختیار داشتند، تأثیر گذاشت. چراکه از این زمان به بعد، وهابیون یمن؛ علی‌رغم اینکه درصد کمی از جامعه یمن را شامل می‌شدند اما از آزادی عمل زیادی برخوردار شدند، آن‌ها از طریق تصاحب کردن پست‌های سیاسی مهم، جای پای محکمی در این کشور برای خود گشودند و توانستند فشارهای اجتماعی - سیاسی زیادی را بر شیعیان وارد آورند.^۱

در این زمان اکثر پست‌های حکومتی از شیعیان و به‌ویژه زیدیان یمن گرفته شد و از این پس، آن‌ها حق هیچ‌گونه مشارکت سیاسی در حکومت را نداشتند و همچنین، نمی‌توانستند در سطوح بالای قوه مجریه، قضائیه و ارتش قرار گیرند. به لحاظ فشارهای مذهبی نیز همه مراسم زیدیان از سوی حکومت - وهابی - جدید، ممنوع اعلام شد، فعالیت همه مدارس دینی را ممنوع اعلام کردند و علمای آن‌ها را کشته یا دستگیر کردند.

شیعیان زیدی یمن گرایش و علاقه ویژه‌ای به اهل بیت (ع) دارند و همواره مراسم آن‌ها با ذکر اهل بیت (ع) و مدح آن‌ها بر پا می‌شود ولی در سال ۱۹۶۲ زمانی که حکومت جدید با کودتا روی کار آمد، با قتل عام شیعیان و علمای آن‌ها اغلب مسائل فرهنگ هزارساله را که وابسته به اهل بیت (ع) بود، عوض کرد؛ برای مثال، پیش از این، در مراسم تشییع جنازه از اول تا آخر ذکر اهل بیت (ع) می‌شد، اما همه این‌ها را دولت جدید ممنوع اعلام کرد. (العماد، ۱۳۸۷، ص ۲۰) انتشار کتاب‌هایی مثل نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده ممنوع گردید و این کتب از تمامی کتابخانه‌ها جمع‌آوری شدند. همچنین تمام کتب درسی و منابع روایی را که نام اهل بیت (ع) در آن‌ها ذکر شده بود به کلی از بین بردند و برای کسانی که این‌گونه کتاب‌ها را آموزش می‌دادند، جرائم سنگینی از سوی حکومت تعیین شده بود. (تلاشان، ۱۳۹۱، ص ۱۲-۱۱)

دولت حاکم بر یمن برای مقابله با شیعیان، بر اساس سه رویکرد عمل کرد:

۱. ایجاد ارتباط و مراد به برخی از طوایف و قبایل قدرتمند غیر شیعی؛

۲. توسعه نیروهای مسلح و توانمندسازی نهادهای امنیتی؛

۳. کسب حمایت قدرت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان و بین‌المللی مانند آمریکا.

رویکردهای سه‌گانه مزبور در سه دهه‌ای که علی عبدالله صالح ریاست جمهوری یمن را بر عهده داشت، بیش‌ازپیش مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در واقع از همان ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری در یمن، نگاه دولت مرکزی در قبال طوایف و مذاهب

۱. دو مذهب زیدیه و شافعی طی بیش از هزار سال است که در کنار یکدیگر به سر می‌برند، زیدی پشت سر شافعی و شافعی پشت سر زیدی نماز می‌خواند؛ اما با پیدایش مذهب وهابیت در عربستان و به تبع گسترش آن در یمن، آن‌ها مذهب وهابی را انتشار دادند. این مذهب از ابتدا در صدام بین بردن دو مذهب شافعی و زیدی برآمد. علاوه بر این وهابیون در صدد برآمدند بین فرق شیعه و به‌ویژه امامیه و زیدیه اختلاف و گسست ایجاد کنند.



ساکن در یمن یکسان نبوده و همین امر باعث شده نوعی تبعیض محسوس در قبال برخی از طوایف و مذاهب اعمال شود. (موسوی، ۱۳۸۸: www.hamshahronline.ir) با توجه به مطالب فوق الذکر، مشخص است که وضعیت و جایگاه شیعیان یمن و شرایط آن‌ها در دو دهه منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی ایران بسیار نامناسب بود و آن‌ها در مسیر محدودیت‌های بسیار شدید و نابودی قرار گرفته بودند.

۳-۳- ژئوپلیتیک شیعیان یمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شاهد تغییراتی در جهت‌گیری سیاست خارجی یمن شمالی و جنوبی نسبت به ایران هستیم. این نکته قابل توجه است که یمن شمالی از نخستین کشورهایی بود که در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و یک هیئت پانزده نفره از این کشور مرکب از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی به ریاست معاون نخست‌وزیر عازم تهران شدند و در دوم اسفند همان سال، سفیر این کشور (یمن شمالی) به دیدار امام خمینی (ره) رفت و یک جلد کلام‌الله مجید را از طرف علی عبدالله صالح، به امام (ره) تقدیم نمود. همچنین در جشن اولین سالگرد انقلاب، یک هیئت از یمن شمالی به ریاست «قاضی عبدالله الشامی» یکی از علمای مشهور و عضو شورای یمن به تهران مسافرت نمود. (امیردهی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷)

اما با آغاز جنگ تحمیلی، یمن شمالی به رهبری «علی عبدالله صالح» در کنار کشورهای حوزه خلیج فارس و یمن جنوبی به رهبری «علی ناصر محمد» در کنار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. یمن شمالی در ابتدا خود را طرفدار انقلاب اسلامی نشان داد ولی با توجه به روابط نزدیکی که با کشورهای مرتجع عرب داشت، رفتار محافظه کارانه‌ای را در پیش گرفت و در جریان جنگ تحمیلی از عراق حمایت کرد و سربازانی را جهت کمک به رژیم بعث عراق در جنگ علیه ایران اعزام کرد. از سوی دیگر دولت یمن جنوبی پس از وقوع انقلاب برای نشان دادن حسن نیت خود، یک خلبان اسیر ایرانی را که از سال ۱۹۶۷ به علت سقوط هواپیمایش در مرز ظفار دستگیر شده بود، با وساطت جبهه آزادی‌بخش خلق عمان آزاد نمود و نهایتاً در اسفند ۱۳۵۸ طی صدور اعلامیه مشترکی، برقراری روابط سیاسی بین دو کشور اعلام گردید. (امیردهی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹)

در ۲۲ می ۱۹۹۰ دو یمن با یکدیگر متحد شدند و پس از این اتحاد روابط ایران و یمن با فراز و فرودهایی همراه شد. پس از اتحاد دو یمن، جمهوری اسلامی ایران و یمن موافقت‌نامه‌های فرهنگی، علمی و آموزشی مختلفی را به امضا رسانده و اجرا کردند. (سلیمانی پور، ۱۳۹۴: www.borhan.ir)



بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران، دین در جامعه سیاسی و فرهنگ یمن نفوذ کرد. هر چند احکام فردی اسلام از زمان پذیرفتن اسلام از سوی مردم یمن اجرا می‌شد، اما از زمان پیروزی انقلاب اسلامی و با نفوذ آموزه‌های مذهب تشیع در یمن، جامعه این کشور، به ویژه زیدی‌ها تحت تأثیر این آموزه‌ها قرار گرفتند.

درواقع پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جرقه الگوگیری و بیداری اسلامی را میان شیعیان یمن و به ویژه زیدی‌ها و جنبش الحوثی‌ها ایجاد کرد. شخصیت‌های یمن جزء نخستین گروه‌هایی بودند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران سفر کردند و به حضور امام خمینی (ره) رسیدند. از جمله این شخصیت‌ها، می‌توان به بدرالدین الحوثی اشاره کرد. ایشان از علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و در سال ۱۹۹۴ سفری به ایران داشت و مدت یک سال جهت تحقیق و آشنایی با علما در حوزه علمیه قم اقامت نمود. (دغشی در: www.rasekhoon.net) شهید حسین الحوثی رهبر جنبش الحوثی‌های یمن، با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، آشنایی با شخصیت و اندیشه‌های رهبر انقلاب و نیز الگوگیری از تفکرات ایشان، هسته مقاومت اسلامی را در کشور یمن پایه‌گذاری کرد و بیداری متأثر از اندیشه‌های اسلامی را در این کشور گسترش داد.

برجسته‌ترین دستاورد ایشان، قرائت انقلاب از مفاهیم تشیع با الگو قرار دادن تفکرات و بینش امام خمینی (ره) بود که از یک سو در مقابل نفوذ استعماری عربستان در یمن و نیز تبعیض مذهبی و سیاسی حکومت این کشور بر ضد شیعیان، ایستادگی کرد و از دیگر سو حلقه جدیدی از مقاومت در منطقه افزود. قطع به یقین، شکل‌گیری تشکلی انقلابی و متأثر از خط سیاسی امام خمینی (ره) و جمهوری اسلامی در کنار مرزهای مهم‌ترین هم‌پیمان سیاسی آمریکا در منطقه؛ یعنی عربستان، زنگ خطر بزرگی را برای آمریکا به صدا درآورد؛ به ویژه این که اصلی‌ترین اعتراض سیاسی این گروه، حضور نظامی بیگانگان و سیاست‌های تبعیض‌آمیز بر ضد شیعیان بوده است. (بیات، ۱۳۹۰، ص ۵)

با توجه به مسائل مزبور پس از پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی ایران تمرکز و توجه خود را بر تأثیرگذاری و حمایت از شیعیان و خصوصاً جنبش‌های شیعی یمن معطوف کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعه به عنوان یک عامل ژئوپلیتیک مطرح شد، یا به عبارتی از این زمان به بعد شیعیان دارای وزن ژئوپلیتیکی (قدرت، سیاست و جغرافیا) شدند. بر این اساس با نگاهی ژئوپلیتیکی به مسائل ایران و تشیع مشخص می‌شود هر رویدادی که در ایران - به عنوان مرکز و کانون شیعیان جهان -



اتفاق بیفتد سایر جوامع شیعی - چه مرکز و چه پیرامون - را تحت تأثیر قرار خواهد داد. وقوع انقلاب اسلامی ایران - که در کانون شیعیان جهان قرار دارد - دست کم در چهار محور زیر جوامع شیعی را متأثر ساخته است:

محور اول: خودآگاهی و هویت‌یابی مجدد شیعیان؛

محور دوم: شکل‌گیری و یا تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی؛

محور سوم: رفتارهای سیاسی عاطفی شیعیان؛

محور چهارم: مشارکت در ساختار سیاسی کشورها.

بر پایه مطالب مذکور و نظر به اینکه هدف اصلی این پژوهش، مطالعه پیامدهای انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک شیعه در یمن است، لذا در ادامه به اثرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان یمن دست کم در چهار محور هویت‌یابی، تشکیل و تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی، رفتارهای سیاسی - عاطفی و مشارکت در ساختار سیاسی یمن پرداخته می‌شود.

۳-۱- خودآگاهی و هویت‌یابی مجدد شیعیان یمن

شیعیان در یمن از هویت تاریخی طولانی برخوردارند. در این میان شیعیان «زیدی» به مراتب از هویت، جایگاه و مقام بالاتری برخوردارند، چراکه آنان بیش از هزار سال بر یمن حکمرانی کردند و در این مدت از قدرت فراوانی برخوردار بودند. آنچه سبب شد این قدرت و شکوه از آن‌ها گرفته شود و در نهایت حکومتشان را سرنگون کند، انقلاب جمهوری خواهان در صناعا - به کمک دولت مصر - بود. طی این کودتا که در سال ۱۹۶۲ به وقوع پیوست، حکومت زیدیان سرنگون شد و وهابیون نیز بلافاصله جای پای محکمی در این کشور باز کردند تا جایی که حتی توانستند برخی از زیدیان یمن را نیز به خود جذب کنند.^۱ علاوه بر این در همین سال‌ها تعداد زیادی از علمای زیدیه دستگیر یا ترور شدند. با مهاجرت بسیاری از علمای زیدیه از این منطقه، شیعیان زیدیه نیز منزوی شدند.

پس از پایان التهاب و خشونت‌های کودتای ۱۹۶۲ و به تدریج در سال‌های بعد، شیعیان زیدیه مجوز یافتند در حوزه‌های علمیه به فعالیت‌های فکری و فرهنگی مشغول شدند. البته این خصوصیت عام حاکم بر شیعه اثناعشری بود که در طول تاریخ، اکثراً به فعالیت فکری و فرهنگی مشغول بودند تا در عصر حاضر، امام خمینی (ره) با رهبری انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی در ایران، شیعیان را دوباره در عرصه سیاست مطرح کرد. در حقیقت پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام (ره) موجب آگاهی و بیداری بسیاری از شیعیان بخصوص شیعیان زیدی یمن شد و به‌ویژه به نسل جوان‌تر

۱. آمارها حاکی از آن است که در این مدت حدود سه هزار زیدی به وهابیت گرویدند.



آگاهی سیاسی و جرأت و جسارت بیشتری نسبت به هویت و حقوق خود بخشید. این آگاهی نسل جوان به‌وسیله رهبرانی انجام گرفت که خود به‌شدت از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام (ره) تأثیر پذیرفتند. یکی از این رهبران حسین الحوثی بود. وی از عالمان دینی زیدیه در یمن بود که در دوران حیات خود (تا سال ۲۰۰۴) به کار با نوجوانان و جوانان پرداخت و سعی کرد روحیه آگاهی‌بخشی و بیداری را در آن‌ها بر اساس مؤلفه‌های زیر ایجاد کند:

۱ - شیعی بودن و حضور پررنگ مبانی شیعه در زندگی اجتماعی؛

۲ - نقد وضعیت موجود؛

۳ - ترویج افکار امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌هایی همچون مبارزه با آمریکا و اسرائیل. (تلاشان، ۱۳۹۱، ص ۱۸)

بدین ترتیب انقلاب اسلامی و موج حق‌طلبی که از حرکت بزرگ مردمی ایران ایجاد شده بود، در کنار پیوندهای تاریخی، مذهبی و فکری باعث شد زیدیان و رهبران آن‌ها احساس کنند که دوباره می‌توانند گذشته پرشکوه خود را احیا کنند. آگاهی بخشی و مقاومت علمای زیدیه در دهه‌های گذشته منجر به این شد که در سال ۱۹۹۰ و در زمانی که دو یمن با یکدیگر متحد شدند، زمینه‌های شکل‌گیری جریان «شباب المومن» (جوانان با ایمان) به وجود آید. زیدی‌ها روی نوجوانان یمنی کار کرده و آنان را تربیت کردند، آن‌ها دو موسم تبلیغاتی رمضان و محرم داشتند که در استان‌های مختلف یمن به تبلیغات می‌پرداختند. بدین ترتیب از دل جریان زیدی‌ها، «حسین بدرالدین الحوثی»، «جنبش شباب المومن» را شکل داد که نوجوانان زیدی را تحت آموزش‌های فکری، عقیدتی و سیاسی این جریان قرار می‌داد. این جنبش از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴ مشغول فعالیت روی نوجوانان و جوانان زیدی شد تا بستر مناسب و خوبی میان نوجوانان و جوانان یمنی جهت پذیرش زیدیه ایجاد نماید. جمعیت حوثی‌ها از فاصله زمانی ۱۹۸۲ تا سال ۲۰۱۱ از ۲۰۰ نفر به ده‌ها هزار نفر نیروی تربیت‌یافته عقیدتی رسید. (زعفرانی: www.tebyan.net)

دکتر عصام‌العماد یکی از مفتیان سابق وهابیت که به تشیع گرویده است، می‌گوید: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث پس‌از آن، شیعه در یمن گسترش زیادی داشته است. عده‌ای با کتاب‌های تیجانی^۱ و سید شرف‌الدین و عده‌ای هم با ماجراهای راه‌یافتگان یا تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای شیعی، توفیق شناخت و ورود به تشیع را

۱. وی اصالتاً اهل تونس است. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های وی «ثم الهمتیت» می‌باشد. این کتاب در ایران نیز به فارسی - با عنوان «آنگاه هدایت شدم» - ترجمه شده و تاکنون مورد استفاده بسیاری از شیعیان و حتی اهل تسنن قرار گرفته به نحوی که تعداد زیادی با خواندن این کتاب به حقانیت مذهب تشیع و خصوصاً مذهب اثناعشری آگاه شده و بدان گرویده‌اند.



یافته‌اند»^۱ (www.old.mouood.org). همچنین در جای دیگری وی می‌گوید: «اعتراف می‌کنم که اگر انقلاب اسلامی ایران به وقوع نپیوسته بود، مذهب زیدی در یمن از بین رفته بود، چون تهاجم تبلیغاتی از مصر و کشورهای عربی و فیلم‌های تلویزیونی مبنی بر سنی بودن عرب و ناسیونالیسم عربی در حجم وسیعی صورت می‌گرفت، همه این‌ها موجب شده بود که همین ۶/۵ میلیون زیدی، با ظاهر زیدی باشند. با وقوع انقلاب اسلامی و انتشار کتاب‌های شیعه در یمن، خود زیدی‌ها به مذهب زیدی برگشتند».

(تلاشان، ۱۳۹۱، ص ۱۶) وی همچنین بیان می‌دارد که: «تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سطح اطلاعات دینی شیعیان یمن به حدی پایین بود که حتی از غدیر و عاشورا خبر نداشتند و تنها شیعیان شناسنامه‌ای به شمار می‌آمدند. امروزه شیعیان زیدی و دوازده‌امامی علاوه بر آگاهی کامل از دین و آیین خود در مراسمی مثل روز غدیر، در مناطقی جمع می‌شوند و عالم برجسته‌ای از آن‌ها در آن روز سخنرانی می‌کند، مسئله ولایت حضرت علی (ع) را تعریف می‌کند، میوه و شیرینی پخش می‌کنند و شبیه‌خوانی انجام می‌دهند». (گفتگو با دکتر عصام العمد، ۱۳۸۷ در سایت: www.hawzah.net)

در یمن، چندین مرکز علمی متعلق به شیعیان زیدی به فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی اشتغال دارند که از جمله، می‌توان به مرکز «البدر العلمي» در صنعا، «المرکز الصیفی» در شهر ضحیان و مرکز «الثقلین» در صنعا اشاره کرد. آن‌ها همچنین نشریات و مطبوعاتی دارند که در آن به ترویج عقاید زیدی خود می‌پردازند. (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۴۶۶) همچنین مجموعه‌ها و نهادهایی از شیعیان در این کشور فعال هستند که بیانیه‌های زیادی در دفاع از شیعیان جعفری و شیعیان زیدی صادر کرده‌اند، مانند: «الرابطة الجعفریه» و «جمعیة علماء الجعفریه». برخی سایت‌ها نیز مظلومیت شیعیان یمن را منتشر می‌کنند، مانند سایت «المنبر نت»، تالار گفت‌وگوی مجالس آل محمد (ص)، سایت حضرموت و سایت صعدہ آنلاین.^۲ (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، گفتگوی ویژه با عصام العمد، ۱۳۸۸).

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری بیداری مردم یمن، رسانه‌های مدافع انقلاب اسلامی بوده‌اند. در این زمینه، رادیو عربی جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین رسانه‌های در دسترس شیعیان یمن است. در این سال‌ها، شیعیان

۱. وی معتقد است یکی از اشتباهات استراتژیکی که در طول سال‌های گذشته اتفاق افتاد و خود مسئولان یمنی هم به آن اذعان دارند، این است که پس از روی کار آمدن صدام با دولت یمن توافق شد که شیعیان به ایران مهاجرت نکنند و به سپاه بدر نپیوندند و به همین دلیل شرایط ورود اعراب عراقی به یمن تسهیل شد. به خصوصی که رئیس‌جمهور یمن، خودش وهابی و بعضی بود. از آن پس تعداد زیادی از عراقی‌ها به یمن مهاجرت کردند و در مناطق مختلف ساکن شدند و به مشاغل متفاوت مبادرت ورزیدند. اطلاعات بیشتر به سایت (www.old.mouood.org)

۲. عصام العمد، برای شناخت بیشتر شیعیان یمن منابع مذکور را معتبر می‌داند.



یمن به‌عنوان مخاطبان خاموش صدای ایران، در محرومیت کامل فرهنگی بوده‌اند و به‌رغم کمبود منابع فرهنگی از قبیل کتاب و دسترسی به روحانیون شیعه، در تقویت پایه‌های مذهبی خود کوشیده‌اند. حسین الحوثی، طرفدارانش را دائماً به پیگیری اخبار و تحلیل‌های شبکه المنار توصیه می‌کرد، جلساتی در منزل خودش تشکیل می‌داد و همراه با شرکت‌کنندگان شبکه المنار را مشاهده می‌کردند، سپس مطالب مطرح‌شده را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دادند. (مدنی: www.yaraneemamezaman.com) (mihanblog.com)

در سال‌های اخیر (از ۲۰۱۱)، طرفداران احیای تفکر زیدیه و امامیه در یمن بسیار فعالیت می‌کنند. آن‌ها به انحاء گوناگون سعی دارند مذهب امامیه و زیدیه را در این کشور گسترش دهند. «محمد منصور» یکی از رهبران زیدی‌ها، می‌گوید: «اگر انقلاب اسلامی نبود، زیدی‌ها از بین رفته بودند، چون به‌رحال، دولت شیعه آمده، ما هم شیعه هستیم. با آمدن یک دولت شیعه، ما دوباره زنده شدیم و دوباره به تشیع خود امیدوار شدیم. اگر انقلاب اسلامی نبود، اکنون یک زیدی هم در یمن نبود. خوشبختانه بیشتر آن‌هایی که موجب گسترش مذهب دوازده‌امامی در یمن شده‌اند، همین زیدی‌ها بوده‌اند. بیشتر کسانی که به‌عنوان مبلغ به یمن رفتند، توسط شخصیت‌های زیدی حمایت شدند؛ نه تنها حمایت شدند، بلکه به آن‌ها اجازه دادند که مدرسه بسازند و تبلیغ کنند، حتی اجازه دادند فرزندان‌شان هم شیعه شوند». (آجرلو، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵) همچنین در این زمینه، مفتی زیدی «محمد زباره» معتقد است که «تشیع واقعی در قم است». (العماد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱)

۳-۲- شکل‌گیری و تقویت نهادهای فرهنگی، سازمان‌ها و شکل‌های شیعی در یمن

زمانی که دو کشور یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰ با یکدیگر متحد شدند، روابط جمهوری اسلامی ایران و یمن به‌شدت تنزل پیدا کرد. ابتدا سفارت جمهوری اسلامی ایران در یمن به کنسولگری تبدیل و سفیر کشورمان به تهران مراجعت نمود و سپس به علت عدم وجود ایرانیان در آن کشور در اواخر سال ۱۳۷۱ کنسولگری بسته شد ولی نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در صنعا به فعالیت خود ادامه داد. این وضعیت پایدار نماند، طولی نکشید که روابط دو کشور رو به بهبودی نهاد و موافقت‌نامه‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف به امضا رسید. وجود این فراز و نشیب‌های سیاسی میان دو کشور، مانع از روابط فرهنگی دو طرف نشد و از این‌رو بعد از وحدت دو یمن و به دنبال امضای موافقت‌نامه فرهنگی، علمی و آموزشی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری یمن در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۸، جمهوری اسلامی ایران، اقدام به برگزاری



نمایشگاه خوشنویسی و نقاشی هنرمندان ایرانی نمود و در تاریخ ۱۳۷۱/۴/۲۹ یک مجتمع فرهنگی به نام «دارالکتب» در مرکز شهر و با حضور شخصیت‌های ایرانی و یمنی افتتاح گردید. (امیردهی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸)

در مجموع می‌توان گفت روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و یمن از زمان پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد سازمان‌ها و مؤسسات فرهنگی متعددی که در ترویج فرهنگ اسلامی - شیعی مؤثر بوده‌اند در این کشور شکل گیرند.

سازمان‌ها، مؤسسات، مدارس، گروه‌ها و جنبش‌های شیعی متعددی در یمن وجود دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رابطه الشیعه جعفریه فی الیمن، المجمع الاسلامی الیمنی الشیعی، مؤسسه علمی - فرهنگی بدر، مؤسسه الرسالیه، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، رابطه علماء الیمن، مؤسسه البینه الاجتماعیه الثقافیه، مدارس الجعفریه در عدن، مؤسسه دار الزهراء علیها السلام للاعلام الثقافی، مدارس الجعفریه در عدن، جمعیت عبدالله رضیع، دار احباب اهل البیت علیهم السلام (در تعز).

در تحولات سال ۲۰۱۱ به بعد، مهم‌ترین تشکل شیعی یمن جنبش «الحوثی» (با نام اصلی انصارالله) است. رهبران این جنبش که تحت تأثیر آراء، افکار و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی) قرار دارند، در تحولات این کشور نقش بی‌بدیلی ایفاء کرده‌اند. لذا ضرورت دارد در ادامه به بررسی و معرفی اجمالی این جنبش شیعی پردازیم.

هرچند از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم یمن و به‌ویژه شیعیان زیدی این کشور تحت تأثیر انقلاب اسلامی و پیامدهای حاصل از آن قرار گرفتند، اما از آغاز دهه ۱۹۹۰، نهضت بیداری اسلامی شیعیان یمن متأثر از انقلاب اسلامی ایران شکل جدی‌تری به خود گرفت.

در این دهه نهضت بیداری اسلامی از سوی «سید حسین الحوثی» آغاز شد، او که فرزند علامه «سید بدرالدین الحوثی» از مشایخ و علمای بزرگ مذهب زیدیه بود، به‌عنوان برجسته‌ترین چهره و مؤسس جنبش الحوثی مطرح است. وی با انقلاب اسلامی ایران، ارتباطی روحی، فکری، معنوی و عاطفی برقرار کرده بود. در اینجا لازم است پیش از پرداختن به جنبش الحوثی و تحولات آن، شخصیت وی و تأثیراتی که از انقلاب اسلامی ایران پذیرفته را مورد بررسی قرار دهیم.

سید حسین الحوثی با نام کامل «سید حسین طباطبایی حوثی»، فرزند علامه «بدرالدین طباطبایی حوثی» است. وی برادر «یحیی بدرالدین حوثی» و «عبدالمالک



بدرالدین حوثی» بود. وی که از سادات حسنی است، در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به ایران سفر کرد و در مدت حضور خود با افکار و عقاید امام خمینی (ره)، آشنایی نسبتاً جامعی کسب کرد. حسین الحوثی بعد از رحلت امام خمینی (ره) مدت کوتاهی را در ایران به سر برد. او چنان شیفته و متأثر اندیشه و آثار امام (ره) بود که در تمامی سخنرانی‌هایش، نام و یاد ایشان را احیا کرد.

سید حسین الحوثی در سخنرانی‌ای با عنوان خطر ورود آمریکا به یمن (خطر دخول آمریکا الیمن) چنین می‌گوید: «امام خمینی رحمه الله علیه، همانا آمریکا را شیطان بزرگ نامید چون در ورای هر فتنه‌ای قرار دارد و حاکمان اصلی آمریکا و کسانی که بر آمریکا مسلط شده‌اند یهودی هستند... چون امام خمینی (ره) امامی عادل و متقی است لذا دعوتش رد کردنی نیست. سپس می‌افزاید؛ مشاهده کردیم تمام کسانی که در زمان امام خمینی، در مقابل انقلاب اسلامی ایران ایستادند و تمام کشورهای که در کنار عراق ضد جمهوری اسلامی جنگیدند یکی پس از دیگری به سزای اعمال خود رسیدند. جمهوری اسلامی دشمن اصلی آمریکا و اسرائیل است. امام خمینی (ره) نسبت به آزادی اعراب و مسلمین از سلطه آمریکا به شدت علاقه‌مند بود و برای نابودی اسرائیل تلاش می‌کرد ولی همه کشورها در مقابلش صف‌آرایی کردند و دیدیم کشورهای که مقابل امام قرار گرفتند چگونه از سوی آن‌ها که به کمکشان رفته بودند ضربه خوردند. کویت و همچنین عربستان سعودی از سوی عراق مورد تجاوز قرار گرفتند. کشور یمن هم تعداد زیادی نیروی نظامی برای جنگ با انقلاب اسلامی در ایران، به عراق فرستاده بود، پیش‌بینی می‌شود که رئیس و ارتش یمن، کیفر اعمال خود را ببینند.»

ایشان در سخنرانی دیگری با عنوان «در پیشگاه خدا هیچ عذری پذیرفته نیست» (لا عذر للجمیع أمام الله) می‌گوید: «امام خمینی (ره) کسی است که حج را به معنای قرآنی و کامل آن معرفی کرد و طریقه ادای حج را روشن ساخت، به ایرانیان آموخت شعار برائت از آمریکا، برائت از مشرکان و برائت از اسرائیل را سردهند.»

(پیربدای، ۱۳۸۶، در سایت: www.alyamani.blogfa.com)

همچنین در بخشی از سخنرانی حسین الحوثی در تاریخ سوم فوریه ۲۰۰۲ آمده است که: «کسانی که با انقلاب اسلامی ایران در دوران امام خمینی (ره) از در مخالفت وارد شدند، همگی نتیجه این مخالفت را دیدند، به این معنی که ایران همچنان سرسخت‌ترین دشمن آمریکا و اسرائیل است. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بر آزادی عرب‌ها و مسلمانان از یوغ استعمار آمریکا و غرب تأکید زیادی داشت و در راستای نابودی اسرائیل حرکت می‌کرد؛ اما بسیاری از کشورها و سردمداران آن علیه او قد علم



کردند و دیدیم که این گروه چگونه از سوی کسانی که سنگشان را به سینه می‌زدند ضربه خوردند که نمونه آن حمله آمریکا به عراق بود». (المنار، ۲۰۱۴)

سید یحیی طالب مشاری، نماینده جنبش انصارالله در نجف اشرف، در مورد ویژگی‌های سید حسین الحوثی معتقد است: «سید حسین یک شخصیت بسیار قیاد و رهبر، کم حرف، اما پر تلاش، زرنگ و نافذ در دل‌ها بود؛ به گونه‌ای که وقتی یک نفر با ایشان ملاقات می‌کرد، ناخواسته ولایت ایشان را می‌پذیرفت. (مصاحبه مختار شیخ حسینی با طالب مشاری در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۵)

حسین الحوثی، این عالم دینی، قصد داشت با محوریت تشیع و ترویج افکار امام خمینی (ره) در زمینه‌هایی همچون مبارزه با آمریکا و اسرائیل، روحیه آگاهی بخشی و بیداری را در جوانان و نوجوانان کشورش برانگیزاند. بر این اساس سید حوثی به همراه پدرش بدرالدین بیش از ۱۰۰ نوار از سخنرانی‌های امام را به زبانی عربی ترجمه کرد و آن‌ها را در اختیار جوانان و مردم قرار داد. بدین صورت پس از همراه کردن جوانان و آشنا سازی آن‌ها با افکار و اندیشه امام خمینی (ره)، خیزش اولیه مقابل با نظام فاسد را آغاز کرد.

بدین منظور ابتدا در سال ۱۹۸۶ یک مؤسسه فرهنگی در یمن شمالی آن زمان به نام اتحاد الشباب المومن (اتحادیه جوانان مؤمن) تأسیس شد که هدف‌گیری آن آموزش جوانان زیدی بود. سه نفر از علمای برجسته زیدی یمن با نام‌های نجم‌الدین المؤیدی و بدرالدین الحوثی و پسرش حسین الحوثی از برجسته‌ترین علمای این اتحادیه بودند. در این اتحادیه، درس‌های مختلفی جهت آگاهی بخشی و بیداری جوانان تدریس می‌شد. همچنین در ضمن درس‌های این دوره، انقلاب اسلامی ایران نیز تدریس می‌شد که «محمد بدرالدین الحوثی» و «حسین الحوثی» تدریس آن را به عهده داشتند.

در سال ۱۹۹۰، یمن شمالی و جنوبی متحد شدند و یمن واحد تأسیس و قانون اساسی واحد تصویب شد. طبق این قانون، بحث آزادی‌های سیاسی و پلورالیزم حداقل به لحاظ شعاری و البته تا حدودی هم به لحاظ عملی مطرح شد. از این زمان به بعد شاهد شکل‌گیری رسمی جنبش الحوثی هستیم. بدین ترتیب جنبش الحوثی، نخستین بار در سال ۱۹۹۰ به‌عنوان جنبش یا سازمانی فکری، سیاسی و مسلح، ابراز وجود کرد. تا پیش از این، فعالیت اولیه این جنبش، همان‌گونه که ذکر شد محدود به ارائه آموزش‌های دینی به جوانان، برگزاری دوره‌های دینی و قرآنی، نشر کتاب‌های زیدیه و تربیت و کادر سازی بود.

اتحادیه جوانان مؤمن دو مرحله را پشت سر نهاد. نخست مرحله تأسیس و



شکل‌گیری که از سال ۱۹۹۰ و کمی پس از اعلام وحدت دو یمن در برخی از مناطق استان «صعده» در شمال پایتخت (صنعا) آغاز شد. مراکز حوثی‌ها کعبه آمال بسیاری از جوانان شد که از نقاط مختلف و استان‌های مشهور به گرایش زیدی هادوی به صعده می‌رفتند. رفته‌رفته دامنه فعالیت حوثی‌ها از استان صعده به استان‌ها و شهرستان‌های دیگری کشیده شد که صبغه زیدی بودنشان قوی بود. تا اینکه شمار دانشجویان این مرکز در استان صعده به پانزده هزار نفر و بنا به اعلام بیانیه‌ای به نام شیعیان اثناعشری یمنی به هجده هزار تن رسید. (دغشی، ۱۳۹۲)

مرحله دیگر که مرحله رویارویی مسلحانه یا سازمان‌دهی مسلحانه است، از اوایل سال ۲۰۰۰ به تدریج آغاز شد. توضیح آن که تا قبل از آن، فعالیت‌های این جنبش مورد حمایت دولت مرکزی بود؛ چون دولت عبدالله صالح اقدامات جنبش را برای جلوگیری از نفوذ حزب اصلاح و سلفیه در این منطقه ضروری می‌دانست؛ اما موضع‌گیری‌های شدید الحوثی علیه اسرائیل و آمریکا، نهادهای امنیتی یمن را در مقابل این جنبش قرار داد. رویکرد اصلی جنبش که در ابتدا، فرهنگی و تربیتی بود، بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و موضع‌گیری ضدآمریکایی، رهبر و اعضای جنبش مزبور وارد مسائل سیاسی و امنیتی شدند. سید حسین الحوثی که نماینده مردم صعده در مجلس یمن و دبیر کل حزب «الحق» بود پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ به مخالفت با این حمله پرداخت. همچنین سید حسین، به حضور نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکا معترض بود. مهم‌ترین اعتراض وی این بود که چرا دولت یمن اجازه داده است نیروهای نظامی بیگانه در یمن مستقر شوند. نزدیکی دولت علی عبدالله صالح به آمریکا و عربستان و نفوذ بیش از حد وهابیون نیز جزء اعتراضات حسین الحوثی بود. (مسعود نیا و توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲) در این راستا، سید حسین در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲ خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شده بود (www.hayategharb.ir) و شعار «الله اکبر»، «مرگ بر آمریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «لعنت بر یهود» و «پیروزی از آن اسلام است» را به عنوان شعارهای رسمی شیعیان اعلام نمود. همچنین صراحتاً شعارهای پنج‌گانه مذکور را به عنوان شعارهای بعد از همه نمازها به ویژه نماز جمعه مطرح و ترویج کرد؛ واکنش دولت مرکزی به این شعارها، یکی از دلایل اساسی شروع درگیری‌ها بین دولت و این جریان است.

عبدالله صالح، رئیس‌جمهور دیکتاتور وقت یمن با تحریک سفارت آمریکا در صنعا و در پاسخ به این شعارها، صدها نفر از جوانان پیرو الحوثی را دستگیر کرد. با اینکه حسین الحوثی تنها، راه مبارزه فرهنگی را در پیش گرفته بود، اما دولت یمن وقتی تصمیم به



حذف فیزیکی او گرفت، سید حسین الحوثی در سال ۲۰۰۴ به همراه جمعی از یارانش پس از سه ماه مقاومت جانانه در کوهستان‌های اطراف صعده به همراه خانواده‌اش به طرز فجیعی به شهادت رسید. وقتی سید حسین الحوثی در جریان این مبارزه با رژیم به شهادت رسید، هزاران جوان یمنی به سیر این مبارزه اضافه شدند و قیامی سراسر کل کشور یمن را در بر گرفت و از آن موقع عنوان حوثی‌ها، به «انصارالله» تغییر یافت. پس از شهادت حسین الحوثی برادرش، عبدالملک رهبری این جنبش را بر عهده گرفت. درباره گرایش عبدالملک بدرالدین الحوثی به ایران باید گفت که وی بارها در سخنرانی‌های خود، ضمن حمایت از مواضع ایران، اسرائیل و آمریکا را دشمنان اصلی اسلام توصیف کرده است. وی همچنین ارادت خود را به امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و حضرت امام خمینی (ره) و سید حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان، اعلام کرده است. در باب موضوع استکبارستیزی نیز، شعار جنبش الحوثی؛ یعنی «الله أكبر، الموت لأمریکا، الموت لإسرائيل، اللعنة علی الیهود، النصر للإسلام» با گفتمان انقلاب اسلامی همساز است. (آجرلو: www.borhan.ir)

بر عهده گرفتن رهبری جنبش توسط «عبدالمک الحوثی» دوره جدیدی در حیات انصارالله یمن بود که بعد از شش مرحله (۲۰۱۰-۲۰۰۴) جنگ تحمیلی از سوی دولت یمن، حوزه نفوذ خود را از منطقه صعده به تمام یمن گسترش داد. این گسترش حوزه نفوذ با استقبال عمومی مردم یمن نیز مواجه شد. در حال حاضر (۲۰۱۶) جنبش مزبور، در میان سایر جنبش‌های یمن از قدرتمندترین نیروهای سیاسی در این کشور به شمار می‌رود.

۳-۳-۳- رفتارهای سیاسی - عاطفی شیعیان یمن

این رفتارها از یک طرف ماهیت سیاسی دارند و از طرف دیگر نشان‌دهنده میزان علاقه و دل‌بستگی شیعیان یمن و رهبران آن‌ها نسبت به ایران و انقلاب اسلامی است. توضیح اینکه؛ در مرحله اول، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، مسلمانان جهان، به‌ویژه جوامع شیعی یمن را متأثر کرد و در مرحله بعد نتیجه این الهام‌گیری و اثرپذیری در میان شیعیان، در شکل ابراز واکنش‌های سیاسی - عاطفی منعکس شد. در ادامه به چند مورد از رفتارهای سیاسی و احساسات و عواطف شیعیان یمن و رهبران آن‌ها نسبت به انقلاب اسلامی ایران، اشاره می‌شود.

رهبران شیعی یمن از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران، عشق، ارادت و اعتقاد خود را به انحاء گوناگون اعلام داشته‌اند. در سال ۱۹۸۶ «حسین الحوثی» به همراه «عبدالرحیم الحمران»؛ همسر خواهرش عازم ایران شد. الحمران در توصیف حال و هوای این سفر



می‌گوید: «حسین که یک انقلابی تمام‌عیار بود، تمام تلاش خود را کرد تا بتواند وارد ایران شود، زیرا ایران روزهای جنگ را سپری می‌کرد در نتیجه تدابیر امنیتی شدیدی در آن اعمال می‌شد و از آنجا که حسین آن زمان شخصیت معروفی نبود بیش از یک ماه در سوریه صبر کرد تا اینکه توانست کانالی برای سفر به ایران پیدا کند و پس از سفر به ایران ۱۸ روز در آنجا اقامت کرد و توانست با برخی شخصیت‌های علمی ایرانی و عراقی ملاقات کند». الحمران به نقل از حسین می‌گوید: «این پرچم، پرچم امام خمینی (ره) جایگزینی ندارد. او حتی به فکر ملحق شدن به سپاه بدر بود که آن روزها برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی عراق از سوی صدام، تازه در حال تشکیل بود». (المنار، ۲۰۱۴)

اصغر قریشی، سفیر اسبق ایران در یمن معتقد است: «زیدی‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هیئتی از یمن به ایران اعزام می‌کنند و آن‌ها امام خمینی (ره) را به‌عنوان امام خود قرار می‌دهند. لفظ «امام» برای امام خمینی (ره) هم مهم است. در شیعه اثناعشری، ما کلمه «امام» را قبل از انقلاب برای هیچ‌کس جز ائمه به کار نمی‌بردیم. در اینجا یک نزدیکی سیاسی بین ما و زیدی‌ها ایجاد شد. زیدی‌ها بعد از رسیدن امام خمینی (ره) به مقام رهبری جمهوری اسلامی، جان تازه‌ای گرفتند.» (گفتگوی مشرق با سفیر ایران در یمن: www.mashreghnews.ir)

یکی از مهم‌ترین واکنش‌های سیاسی - عاطفی، شعارهای انقلابی و ارزشی است که شیعیان در تجمع‌ها و راهپیمایی‌ها سر می‌دادند. حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک پیامدهای بین‌المللی زیادی به همراه داشت. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، شکل‌گیری پیمان‌های به‌اصطلاح ضد تروریستی به رهبری آمریکا در مناطق مختلف جهان بود. حضور یمن به‌عنوان هم‌پیمان آمریکا در جنگ با تروریسم در خاورمیانه، به حضور نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکایی‌ها در این کشور و نیز سفر مخفیانه برخی هیئت‌های اسرائیلی به صنعا دامن زد. این مسئله با اعتراض‌های فراوان روبرو شد. در این میان حسین الحوثی خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد و شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهود و پیروز باد اسلام» را به‌عنوان شعار رسمی شیعیان این منطقه اعلام کرد و خواستار تمسک مسلمانان به آموزه‌های قرآن و اهل بیت شد. در مورد شعارهای پنج‌گانه مذکور باید گفت؛ این شعارها به «الصرخه» که یک اصطلاح بین‌یمنی‌هاست، شناخته می‌شود. یمنی‌ها روزی به نام «یوم الصرخه» را جشن می‌گیرند؛ آن روزی است که شهید حسین الحوثی روی شعارهای پنج‌گانه مذکور تأکید کرد و گفت: «ما باید در مقابل ظلم و ظالمان



بایستیم، اجداد ما ایستادند و ما در طول تاریخ ظلم‌ستیز بودیم». (موسوی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳) این درخواست با استقبال گسترده مردم روبرو شد به طوری که مردم در نماز جمعه شهر صنعا پایتخت یمن، شعارهای چهارگانه شیعیان را سردادند.

در این رابطه جوانان زیدی یک حرکت جدی را آغاز کردند؛ به‌عنوان نمونه در مراسم سخنرانی علی عبدالله صالح، همان شعارها را سردادند، وی ناراحت شد و اظهار داشت که مشاهده کنید کار به کجا رسیده که جلوی رئیس‌جمهور، یک عده جوان افراطی، تحت تأثیر بیگانگان شعار می‌دهند و سخنرانی رئیس‌جمهور را قطع می‌کنند. وی سعی کرد با دستاویز قرار دادن این نوع فعالیت زیدی‌ها، به آمریکایی‌ها وانمود کند که دشمنان اصلی شما در منطقه شیعیان هستند. شیعیانی که تحت تأثیر ایران عمل می‌کنند و ما می‌خواهیم آن‌ها را سرکوب کنیم. در صورتی که این جنبش به‌طور کامل خودجوش شکل گرفته بود، هر چند تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران بود ولی دولت ایران نقشی در جهت سازمان‌دهی و هدایت آن‌ها نداشت. تحمل چنین جنبشی برای حکومت مرکزی که رابطه محکمی با آمریکا داشت و آن‌ها را خطری برای حکومت خود می‌دید، بسیار سنگین بود. حکومت یمن فعالیت‌های متنوعی را مانند تطمیع، تحریک اهل سنت و حتی بدبین کردن زیدی‌ها نسبت به الحوثی‌ها انجام داد ولی نتوانست جنبش را سرکوب کند.

مهم‌ترین مسئله دولت یمن شعارهای ضدآمریکایی و ضد صهیونیستی این جنبش بود. شعارهایی که در مساجد و مراسم ایشان، به شعارهای سیاسی - عبادی تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۳، ۶۵۰ تن از جوانان مؤمن به دلیل سردادن شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل در مساجد بازداشت شدند. تلاش حوثی و یارانش برای آزادی این افراد به نتیجه نرسید، از همین رو اختلاف بین آنان و دولت وارد فاز سیاسی و مدنی و سپس وارد فاز نظامی شد. در نهایت دولت یمن ۱۸ شاخه نظامی را برای دستگیری حسین الحوثی اعزام کرد. او و یارانش را محاصره کردند، آن‌ها ۹۰ روز در کوهستان‌ها در مقابل قوای دولتی مقاومت کردند، بالاخره حسین الحوثی به قتل رسید. تابه‌حال شش جنگ بزرگ بین قوای دولتی و زیدی‌ها به وقوع پیوسته است، ولی نه تنها این جنبش سرکوب نشده است بلکه نسبت به سال‌های قبل، از قدرت بیشتری نیز برخوردار شده است. (مدنی، www.yaraneemamezaman.mihanblog.com)

۳-۳-۴- نقش آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی یمن

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در بیشتر کشورهای منطقه، شیعیان موفق شده‌اند نقش پررنگ‌تر و مشارکت بیشتری در ساختارهای سیاسی ایفا کنند.



شیعیان زیدی یمن هرچند بیش از هزار سال قدرت را در دست داشتند ولی با کودتای سرهنگ سلال و قدرت گیری وهابیت از سال ۱۹۶۲ قدرت خود را به یکباره از دست دادند. آن‌ها دیگر در قدرت و سیاست، هیچ نقشی نداشتند و حکومت جدید نیز، قوانینی تصویب کرده بود که در آن برای مشارکت سیاسی شیعیان، هیچ جایگاهی در نظر گرفته نشده بود. این وضعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ادامه پیدا کرد؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد شیعیان تحركات گسترده‌ای را شروع کنند. هرچند تحركات آن‌ها از سال ۱۹۹۰ سبب شد مشارکت‌هایی را در قدرت حکومت داشته باشند اما این مشارکت محسوس و عینی نبود. مشارکت سیاسی محسوس شیعیان و خصوصاً زیدی‌های یمن از زمانی شروع شد که آن‌ها به‌طور مستقیم به جنگ با دولت مرکزی پرداختند. از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ شش جنگ بین آن‌ها رخ داد که ورود تدریجی شان را به صحنه سیاست یمن فراهم آورد. جنگ ششم شیعیان را به معادله سیاسی یمن وارد کرد تا جایی که حکومت یمن از شیعیان درخواست نمود حزبی سیاسی تشکیل دهند و از این طریق در سیاست کشور تأثیرگذار باشند، در حالی که پیش از این، حکومت یمن، وجود شیعیان را به رسمیت نمی‌شناخت و اساساً هیچ حقی برای مشارکت سیاسی آن‌ها قائل نبود.

از سال ۲۰۱۱ که موج بیداری اسلامی در جهان عرب به یمن رسوخ کرد، شاهد قدرت گیری بیش از پیش شیعیان در این کشور هستیم. از این زمان به بعد شیعیان و خصوصاً زیدی‌ها در قالب انصارالله به تدریج وارد عرصه سیاست شدند. آن‌ها مشارکت جدی در پیروزی انقلاب این کشور در سال ۲۰۱۱ داشتند. همچنین در تمامی تحولات و سازوکارهای سیاسی هم که از زمان سرنگونی عبدالله صالح در فوریه ۲۰۱۲ در یمن شکل گرفت، حوثی‌ها به‌عنوان بخشی از ترکیب سیاسی یمن حضوری فعال داشته‌اند. از جمله در گفتگوهای ملی که به‌طور مشخص از مارس ۲۰۱۳ تا ژانویه ۲۰۱۴ در یمن جریان داشت و همچنین در کمیته تدوین قانون اساسی این کشور، حوثی‌ها فعالانه شرکت داشتند؛ آن‌ها در نوشتن و تبیین قانون اساسی این کشور، نقش برجسته‌ای ایفا کردند.

پس از عبدالله صالح، عبدربه منصور هادی معاون وی، رئیس‌جمهور یمن شد که خود با جنبش الحوثی یمن اختلافات اساسی داشت و تا مدتی از آن‌ها به‌عنوان گروه تروریست یاد می‌کرد، اما با ابتکارات رهبر جنبش انصارالله و حضور گسترده این جنبش در پایتخت، موقعیت سیاسی انصارالله و شیعیان به طرز محسوسی ارتقاء یافت. منصور هادی، در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۹۳ «زکریا یحیی محمد الشامی» از افسران برجسته



نظامیان الحوثی را به‌عنوان جانشین فرمانده کل ارتش یمن منصوب کرد. ولی با افزایش فشارها به منصور هادی وی در ژانویه ۲۰۱۵ و در پی تداوم ناامنی و اختلافات داخلی و پس از تصرف کاخ ریاست جمهوری توسط انصارالله و محاصره محل اقامت وی، استعفا داده و به شهر عدن گریخت و از آنجا به عربستان سعودی رفت. این اتفاقات در زمانی رخ داد که انصارالله دولت را به ناتوانی در اداره امور کشور و فساد گسترده متهم می‌کرد. (www.persstv.ir)

بدین ترتیب می‌توان گفت، آن‌ها توانستند دو رئیس‌جمهور یمن، یعنی عبدالله صالح و منصور هادی را از قدرت خلع کنند؛ و این‌گونه در روند قدرت و سیاست این کشور مؤثر واقع شوند. در حال حاضر (۲۰۱۶) مهم‌ترین جریانی که در عرصه سیاست فعال است و سبب مشارکت گسترده شیعیان این کشور در سیاست شده جنبش شیعی انصارالله یمن هست.

۴- تحولات جنبش انصارالله پس از بیداری اسلامی

با اوج گرفتن بیداری اسلامی در کشورهای عربی از سال ۲۰۱۱، یمن نیز شاهد انقلابی مردمی بود. در پی سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری در تونس و مصر، جوانان یمنی به تظاهرات علیه دیکتاتوری عبدالله صالح که از ۳۳ سال پیش از این قدرت را تصاحب کرده بود، ترغیب شدند. جوانان یمنی که نبض انقلاب را در دست داشتند، نه تنها خواستار فروپاشی رژیم دیکتاتوری بودند، بلکه رژیم آل سعود و آمریکا را نیز شریک اقدامات وی می‌دانستند. (خاکی راوندی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۱)

عبدالله صالح که از زمان اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰ رئیس‌جمهور این کشور بود، از سال ۲۰۰۴ سیاست‌های سخت و خشنی را علیه جنبش شیعیان زیدی یمن اتخاذ کرد. ارتش یمن در جنگ‌های شش‌گانه‌ای که با آن‌ها داشت اگرچه تعداد زیادی از اعضای این جنبش را به شهادت رساند، ولی نتوانست این جنبش شیعی را مهار کند. این جنبش در طول این سال‌ها مردم یمن و به‌ویژه جوانان یمنی را به مقابله با سیاست‌های خشن و تبعیض‌آمیز دولت یمن فرا می‌خواند.

جوانان یمنی همراه با توده مردم از سال ۲۰۱۱ در اعتراض به این سیاست‌ها، تظاهرات گسترده‌ای را به راه انداختند که از آن به‌عنوان نخستین انقلاب در تاریخ یمن یاد می‌شود. در این تظاهرات به‌تدریج شعارهایی مانند «یا رئیس‌البلاد ارحل انت و الاولاد» در خیابان‌های صنعا طنین‌انداز شد. با کناره‌گیری حسنی مبارک از قدرت در مصر، اعتراضات در یمن نیز رو به گسترش نهاد. درنهایت در سال ۲۰۱۲ عربستان و آمریکا با همراهی شورای همکاری خلیج فارس با طرحی با عنوان «ابتکار



خلیجی» منصور هادی را به عنوان رئیس جمهور یمن «منصوب» کردند. بر اساس طرح شورای همکاری خلیج فارس عبدالله صالح برکنار و عبدربه منصور هادی جانشین وی شد. بدین ترتیب منصور هادی که از سال ۱۹۹۴ معاون رئیس جمهور یمن بود از ۲۷ فوریه ۲۰۱۲ در جایگاه رئیس جمهوری یمن قرار گرفت. هم‌زمان با این تحولات، بر اساس طرح شورای همکاری خلیج فارس، گفتگوهای ملی در جریان بود در این اثنا تصمیماتی هم اتخاذ گردید. عدم پایبندی دولت منصور هادی به نتایج گفتگوهای ملی و افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی و گسترش روزافزون فساد، در سال ۲۰۱۴ زمینه را برای جنبش انصارالله فراهم آورد تا انقلابیون را برای مبارزه با دولت برای احقاق حقوق و خواسته‌های خود به خیابان‌ها فرا خواند. در این میان، در کنار دولت حاکم، سفارتخانه‌های عربستان سعودی و آمریکا بیشترین نقش را برای ممانعت و جلوگیری از نفوذ و تأثیرگذاری انصارالله در حاکمیت یمن داشتند. (شیخ حسینی، ۱۳۹۴، ص ۲۳-۲۲)

زمانی که انصارالله متوجه شد هیچ کدام از خواسته‌های انقلابیون محقق نخواهد شد، مجبور شد در گام نخست با جریان احمر در منطقه عمران درگیر شود. عبدالله احمر سال‌های متوالی رئیس مجلس یمن بوده و همراه با فرزندانش بر بخش‌های اقتصادی و اساسی این کشور تسلط داشتند و حزب اصلاح را اداره می‌کردند. آن‌ها منطقه عمران را به تصرف خود درآوردند، با قبایل آنجا ائتلاف و پس از آن به سمت صنعا حرکت کردند و در نهایت، صنعا را تحت کنترل خود درآوردند. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۴، ص ۸) منصور هادی وقتی اوضاع را به ضرر خود یافت، ابتدا استعفا و سپس به منطقه «خوز مکر» در عدن گریخت. (www.farsnews.com)

منصور هادی در عدن با پس گرفتن استعفایش، خود را تنها رهبر مشروع یمن دانست. بدین ترتیب وی در آنجا حکومتی برپا کرد و درصدد برآمد که به تجهیز طرفداران و نیروهای خود بپردازد. این اقدامات انصارالله را وادار کرد حرکت خود را به سمت جنوب ادامه دهد تا کنترل مناطقی از جنوب را در اختیار بگیرد. مهم‌ترین درگیری‌ها در شهر عدن بود که در نهایت با کنترل و تسلط کامل انصارالله شهر عدن و مناطق مختلف آن پایان یافت.

این جنبش با عبور از مشکلات متعدد توانست به‌رغم همه تلاش‌های مخرب داخلی و خارجی، کنترل و تسلط خود بر اکثر استان‌ها و مراکز دولتی، نظامی و امنیتی را حفظ و روند انقلاب را گام‌به‌گام به پیش ببرد و با درایت و خویشتن‌داری، مانع از بروز یک جنگ داخلی گردد. «تونی کارتالوچی»، نویسنده آمریکایی و محقق علم ژئوپلیتیک،



عنوان می‌کند که: «جنبش انصارالله در حقیقت تنها نیروی موجود در یمن هستند که با القاعده در شبه جزیره عربستان مبارزه می‌کنند و می‌توانند به تشکیل دولت مبادرت کنند.» (اندیشکده راهبردی تبیین، ص ۱۳۹۴). جریان انصارالله با هدف اطلاع رسانی از سیاست‌ها و راهبردهای خود، صاحب شبکه تلویزیونی «المسیره»، پایگاه اطلاع‌رسانی «انصارالله»، مجالس آل محمد (ع) و ده‌ها سایت و نشریه دیگر است که روزبه‌روز به تعداد مخاطبان آن‌ها افزوده می‌شود. (www.mashregnews.ir) پس از تسلط انصارالله بر صنعا و بیشتر مناطق یمن و با توجه به ارتباط معنوی انقلاب اسلامی ایران با رهبران این جنبش، این ترس و هراس در آمریکایی‌ها، سعودی‌ها و گروه‌های ضد ایرانی و شیعی به وجود آمد که جمهوری اسلامی در پی افزایش نفوذ و اقتدار خود در منطقه و تشکیل دولتی شیعی در یمن با هدف تغییر موازنه قوا به سود خود و تقویت محور مقاومت است لذا این امر با عکس‌العمل خشن سعودی‌ها مواجه شده و جنگی نابرابر به این کشور تحمیل گردید.

۵- نتیجه‌گیری

شیعیان یمن که به مدت بیش از هزار سال، قدرت و حکومت را در این کشور در دست داشتند، با کودتای سرهنگ سلال که با حمایت و تحریک مصر در سال ۱۹۶۲ رخ داد، قدرت را از دست دادند؛ اما طولی نکشید که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و پیامدهای منبعث از آن سبب شد تا شیعیان یمن به تدریج از انزوای ژئوپلیتیکی بیرون آیند و با وقوع خیزش‌های مردمی از سال ۲۰۱۱ در جهان عرب موسوم به بیداری اسلامی، دوباره به احیا و تجدید قدرت خود بپردازند. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی «قدرت نرم» به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و تحت تأثیر قرار دادن افکار و انگاره‌ها به شمار آورد. این انقلاب به‌عنوان انقلابی واقعی، مردمی، مترقی و اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی با حمایت از مسلمانان و به‌ویژه شیعیان زیدی و نیز نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش یمن توانست بیش از پیش جایگاه شیعیان به‌ویژه زیدیان این کشور را ارتقاء بخشد. همچنین با اتکا به نظریه پخش، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن، سلسله‌مراتبی بوده است، بدین معنا که ابتدا رهبران شیعه به انقلاب اسلامی گرایش پیدا کردند و سپس بدنه اجتماعی شیعیان، تحت تأثیر اصول و آموزه‌های انقلاب اسلامی قرار گرفتند. با توجه به اینکه در این نوع پخش، ایده‌ها و ارزش‌ها از طریق افراد و شخصیت‌های مهم به سایر افراد و شخصیت‌های مهم منتقل پیدا می‌کند، این نوع پخش در مورد تأثیر انقلاب اسلامی بر شخصیت‌ها و رهبران شیعی یمن صادق است؛ چراکه رهبران و شخصیت‌های شیعی تأثیرگذار یمن، از جمله



بدرالدین الحوثی و دو فرزندش؛ حسین الحوثی و عبدالملک الحوثی از رهبران انقلاب اسلامی ایران؛ حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأثیر پذیرفته‌اند. آن‌ها تحت تأثیر این شخصیت‌ها، توانستند شیعیان یمن را سازمان‌دهی کنند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران تمرکز و توجه خود را بر تأثیرگذاری و حمایت معنوی از شیعیان و از جمله جنبش‌های شیعی یمن معطوف کرد. از مهم‌ترین بازتاب‌ها و پیامدهای انقلاب اسلامی بر شیعیان یمن می‌توان به خروج شیعیان از انفعال و احیای مجدد هویت آن‌ها، تأثیرپذیری شخصیت‌های شیعه یمنی از انقلاب اسلامی ایران، نزدیک شدن افکار و عقاید حوثی‌ها به شیعه اثنی عشری و گسترش شیعه امامیه در یمن، گرایش شیعیان زیدی به رسانه‌های طرفدار ایران، تمایل بیش از پیش زیدی‌ها به مراسم مذهبی دوازده امامی‌ها، گسترش شعارهای انقلابی و ارزشی و به‌طور کلی، فعال کردن شیعیان در جریان‌ات و تحولات قیام مردم یمن اشاره کرد.

پس از انقلاب اسلامی ایران، شعائر و نمادهای ارزشی و انقلابی ایران در یمن رواج یافت و این به معنی الگوبرداری آن‌ها از مدل انقلابی ایران برای تشکیل حکومت اسلامی است؛ اما در این بین کشورهای هم‌چون عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی مکرراً تلاش داشته‌اند این نمودها را به‌عنوان شواهدی از مداخله ایران در امور همسایگان و حمایتش از جنبش‌های مردمی، مبارز، قلمداد کنند؛ در حالی که نفوذ ایران در کشورهای منطقه صرفاً بر مبنای قدرت نرم و اثبات کارآمدی مدل حکومتی آن بوده است. لذا به نظر می‌رسد با توجه به امواج بیداری اسلامی در منطقه و تلاش‌های مردمی مقابله‌جویانه با ظلم و استبداد دولت‌های محافظه‌کار و مورد حمایت غرب، شعاع و گستره نفوذ ایران در منطقه در حال گسترش باشد. این نوع نفوذ جمهوری اسلامی ایران، در یمن در قالب جنبش شیعی انصارالله قابل تحلیل است.

یکی از مهم‌ترین ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن، در محور قدرت‌یابی جنبش‌های شیعی این کشور بوده است. قدرت انصارالله بیش و پیش از آنکه به اسلحه آهنی وابسته باشد به اسلحه ایمان در دل وابسته است. همان‌گونه که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره می‌فرماید: «آن‌ها به سلاح ما احتیاج ندارند؛ همه پادگان‌های یمن و ارتش یمن در اختیار مردم مبارز و انقلابی و در اختیار گروه انصارالله است». (بیانات رهبری در جمع فرهنگیان: ۹۴/۰۲/۱۶) همچنین سید عبدالملک الحوثی، رهبر جنبش انصارالله، در این باره می‌گوید: «اسلحه ایمان، تنها سلاحی است که دشمنان ما آن را ندارد و ما به‌وسیله آن می‌جنگیم و پیروز می‌شویم». (گفتگوی با



دکتر سید علی یحیی شرف‌الدین، عضو ارشد انصارالله یمن. www.jamnews.ir دلیل این مدعا پیشروی‌های چشمگیر نیروهای این جنبش علیرغم بمباران‌های خشونت‌بار هواپیماهای سعودی و کمک تسلیحاتی عربستان به مزدوران حامی خود در مناطق مختلف یمن بوده است. قدرت‌یابی انصارالله در یمن و شکل‌گیری یک حکومت اسلامی و مردمی در آن، در جهت منافع شیعیان و ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی آن‌ها ارزیابی می‌شود و این همان چیزی است که قدرت‌های منطقه‌ای، همانند عربستان سعودی و سایر کشورهای عرب منطقه - که دارای رژیم‌های استبدادی هستند- و فرا منطقه‌ای همچون آمریکا به شدت از آن واهمه دارند؛ زیرا با پیروزی کامل و تسلط انصارالله بر یمن، محور جبهه مقاومت در منطقه، کامل‌تر می‌شود و این امر به معنی ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی شیعیان یمن است.

از مجموع گفته‌های فوق‌الذکر می‌توان به این سرمنزل رسید که پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، شیعیان در یمن، از انزوای ژئوپلیتیکی که قبل از انقلاب ایران با آن مواجه بودند، خارج شدند، آن‌ها به هویت و حقوق خود آگاهی نسبتاً کاملی پیدا کردند و توانستند با تشکیل جنبش‌ها و احزاب مختلف خواسته‌های مشروع و به‌حق خود را از دولت مطالبه کند و از این رهگذر سهمی در تصمیم‌گیری‌های حکومت داشته باشند. لذا می‌توان گفت فرضیه‌ای که در این پژوهش به دنبال تأیید یا رد آن بودیم باتوجه به موارد و گفته‌های فوق، تأیید می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله ها

۱. امیر دهی، علی رضا، (۱۳۸۹)، «یمن، از حاکمیت سیاسی تا روابط با جمهوری اسلامی ایران»، مجله اندیشه تقریب، شماره ۲۳، تابستان.
۲. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، دو فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۸۲.
۳. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «جنبش دانشجویی و سیاست فرهنگی»، ماهنامه آئین، دی ماه، شماره ۱۰.
۴. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۸)، «عربستان و رؤیای تسلط بر یمن»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۷.
۵. جمال زاده، ناصر، (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره چهارم: پاییز.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد، زمستان، سال ۱۵، شماره ۵۸ و ۵۹.
۷. العماد، عصام، (۱۳۸۷)، شیعیان یمن / گفتگو با دکتر عصام العماد، ماهنامه موعود، اردیبهشت، شماره ۸۷.
۸. العماد، عصام، (۱۳۸۴)، «شیعیان یمن: بررسی وضعیت فرهنگی - سیاسی»، فصلنامه شیعه شناسی، شماره نه بهار.
۹. غفاری هاشجین، زاهد و دیگران، (۱۳۸۸)، «شبکه‌های مؤثر انقلابی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در اردبیل با تأکید بر نقش روحانیت»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره یازده، زمستان.
۱۰. متقی زاده، احمد، (۱۳۹۰)، «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، مطالعات قدرت نرم، شماره دو، تابستان.
۱۱. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۷)، «منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران»، پانزده خرداد، تابستان، شماره ۱۶.
۱۲. مسعود نیا، حسین و توسلی، حسین، (۱۳۹۱)، «بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، پاییز، شماره ۳.
۱۳. موسوی نژاد، سیدعلی (۱۳۸۸)، «شیعیان زیدی و تحولات اخیر یمن»، مجله موعود، شماره ۱۰۸، بهمن.

کتاب‌ها

۱۴. -----، (۱۳۹۴) شاخ شیطان: بررسی ابعاد و پیامدهای جنگ عربستان علیه یمن. تهران: موسسه اندیشه‌سازان نور.
۱۵. آجرلو، اسماعیل، (۱۳۹۳)، تحولات یمن (۲۰۱۴-۲۰۱۱) و سیاست خارجی ایران و



- عربستان در خصوص این کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. افتخاری، اصغر و همکاران، (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات امام صادق (ع).
۱۷. بیات، مرتضی (۱۹۹۰)، تأثیر جبهه مقاومت اسلامی، رهبری ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه (بررسی موردی: الحوثی در یمن)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۸. بیکی، مهدی، (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: چ ۲، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. پور احمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران. قم، بوستان کتاب.
۲۰. توال، فرانسوا، (۱۳۷۹) ژئوپلیتیک شیعه. ترجمه علیرضا قاسم آقا، تهران: نشر نی.
۲۱. توال، فرانسوا، (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک شیعه. ترجمه کتایون باصر، تهران، انتشارات ویستار.
۲۲. جردن، تری و لستر راونتری، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی. ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
۲۳. جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس. تهران: چاپ سوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۲۴. جعفریان، رسول، (۱۳۸۸) اطلس شیعه. تهران: جلد اول، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۵. حشمت زاده، محمدباقر، (۱۳۸۷)، تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ چهارم.
۲۶. خاکی راوندی، زهره، (۱۳۹۱)، ایالات متحده آمریکا و اسلام سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
۲۷. شیخ حسینی، مختار، (۱۳۹۴)، جنبش انصارالله یمن. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع) چاپ دوم.
۲۸. عاملی، سید سعید رضا، (۱۳۸۹)، قدرت نرم و امپراتوری‌های مجازی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. فاضلی نیا، نفیسه، (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، قم: شیعه شناسی.
۳۰. نای، جوزف، (۱۳۸۹)، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

منابع اینترنتی

۳۱. علی محمدی با عنوان «انقلاب اسلامی چه نوع انقلابی است» قابل دسترسی در سایت: www.porseman.org/showarticle.aspx?id=18



۳۲. -----، جمعیت یمن، موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، قابل دسترسی در:
<http://iiwfs.com/index.php/fa/2014>
۳۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع فرهنگیان کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۱۶ قابل دسترسی در سایت:
www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29639
۳۴. سلیمانی پور، زهرا، (۱۳۹۴) تاریخ مناسبات ایران - یمن (به‌طور خاص حوثی‌ها)، قابل دسترسی در سایت به نشانی:
www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=8549 (۱۳۹۴/۰۱/۱۹)
۳۵. پیربداغی، محمود (۱۳۸۶) حسین بدرالدین فرزند معنوی امام خمینی (ره)، قابل دسترسی در سایت به نشانی:
www.alyamani.blogfa.com/post-126.aspx (۱۳۸۶/۰۳/۱۴)
۳۶. -----، آخرین تحولات یمن + نقشه، قابل دسترسی در سایت:
www.jahannnews.com/vdcefo8evjh8wfi.b9bj.html (۱۳۹۴/۰۴/۰۳)
۳۷. زعفرانی، قیس (۱۳۸۹) آشنایی با کشور یمن، قابل دسترسی در سایت:
www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=156466 (۱۳۸۹/۱۲/۰۳)
۳۸. اندرسون، سایمن (January 26 2015) کابوس عربستان در یمن، اندیشکده واشنگتن، قابل دسترسی در سایت:
www.af.farsnews.com/printnews/13931106000313 (۱۳۹۳/۱۱/۰۶)
۳۹. آجر لو، حسین (۱۳۹۴) انصارالله کیست و چه می‌گوید؟ قابل دسترسی در سایت:
www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=8530 (۱۳۹۴/۰۱/۱۷)
۴۰. العماد، عصام (۱۳۹۴) نکاتی درباره حوثی‌های یمن، گفت‌وگوی العماد با هفته‌نامه مثلث، قابل دسترسی در سایت:
www.tabnak.ir/fa/mobile/news/493063 (۱۳۹۴/۰۱/۳۱)
۴۱. موسوی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، زوایای پنهان در بحران یمن، قابل دسترسی در سایت:
<http://www.hamshahrionline.ir/details/98686worldwastaia> (۱۳۸۸/۱۰/۱۴)
۴۲. دغشی، محمد احمد (۱۳۹۲) بازشناسی حوثی‌های یمن، قابل دسترسی در سایت:
www.rasekhoon.net/article/print/856445 (۱۳۹۲/۱۰/۲۸)
۴۳. -----، (۱۳۸۸) ریشه‌ها و پیامدهای اخیر یمن، قابل دسترسی در:
<http://old.mouood.org/content/view/9847/3> (۱۳۸۸/۱۰/۱۲)
۴۴. مدنی، سیده سحر، تأثیر انقلاب اسلامی ایران در یمن، قابل دسترسی در سایت:
www.yaraneemamezaman.mihanblog.com/post/87
۴۵. المحطوری، سید مرتضی، (۱۳۹۴) خمینی و خامنه‌ای، امامان انقلابیون یمن، قابل دسترسی در:
<http://www.jamnews.ir/detail/News/459606>
۴۶. آجر لو، حسین، (۱۳۹۴/۰۱/۱۷) انصارالله کیست و چه می‌گوید؟ قابل دسترسی در سایت:



www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=8530

۴۷. -----، (۲۰۱۴) جنبش انصارالله از پیدایش تاکنون؛ سفر حسین الحوثی به ایران، قابل دسترسی در سایت:

www.defapress.ir/Fa/News/43191

۴۸. -----، (۱۳۹۴/۰۶/۳۰) گفتگوی مشرق با سفیر اسبق ایران در یمن، قابل دسترسی در سایت:

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/420012>

۴۹. -----، (۱۳۹۴/۰۵/۱۸)، گفتگوی جام نیوز با عضو ارشد انصارالله یمن / ایمان، تنها سلاح ماست، قابل دسترسی در سایت:

<http://www.jamnews.ir/textversion/detail/news/530402/1>

۵۰. استعفای منصور هادی: توطئه غرب، در سایت:

www.presstv.ir/Detailfa/January/2015

